

به نام خداوند گشایشگر دانا

بیانیه نشست بحران آب و الزامات حکمرانی کارآمد

بحران آب در کشور بیش از آن که ناشی از کمبود ذاتی منابع آب یا صرفاً پیامد تغییرات اقلیمی باشد، حاصل ناترازی ساختاری و مزمن میان ظرفیت‌های واقعی اکولوژیکی سرزمین و الگوی تصمیم‌گیری توسعه‌ای مبتنی بر آب است. در دهه‌های گذشته، توسعه کشاورزی، صنعتی و جمعیتی بدون انطباق با توان واقعی منابع دنبال شده و این روند به افزایش شتابان تقاضای آب، افت مستمر منابع سطحی و زیرزمینی و کاهش تاب‌آوری اکوسیستم‌های آبی انجامیده است. در این چارچوب، خشکسالی و نوسانات اقلیمی نقش تشدیدکننده دارند، اما عامل اصلی تداوم بحران، **ضعف حکمرانی، تعارض منافع نهادی و فقدان تنظیم‌گری مستقل و الزام‌آور** است. ریشه این بحران در ساختار نهادی نهفته است؛ جایی که تصمیم‌گیری‌های بخشی، تعارض منافع نهادی و نبود مرجع تنظیم‌گر مستقل، امکان اعمال محدودیت‌های اکولوژیک را از نظام مدیریت منابع آب سلب کرده است. در چنین شرایطی، اهداف کوتاه‌مدت توسعه‌ای بر ملاحظات پایداری آب غلبه یافته و مدیریت آب به واکنش‌های مقطعی و بحران‌محور تقلیل یافته است.

عبور پایدار از بحران آب مستلزم بازطراحی معماری نهادی حکمرانی و استقرار نظامی منسجم است که در آن تصمیم‌گیری درباره تخصیص، سقف برداشت و بارگذاری‌های جمعیتی و اقتصادی صرفاً بر مبنای ظرفیت‌های واقعی منابع آب و منافع ملی انجام شود. در قلب این نظام، وجود یک مرجع تنظیم‌گر مستقل، فرابخشی و برخوردار از اختیارات قانونی کافی ضروری است؛ مرجعی که نه ذی‌نفع توسعه باشد و نه مجری پروژه‌ها، و بتواند خطوط قرمز منابع آب را به‌عنوان حدود غیرقابل مذاکره بر تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای تحمیل کند. برای اعمال مؤثر این تنظیم‌گری، استقرار نظامی **شفاف، ثبت‌پذیر و قابل بازنگری** برای حقوق آب ضرورت دارد؛ نظامی که در آن حق بهره‌برداری مطلق تلقی نشود و همواره مشروط به وضعیت منابع، شرایط حوضه و الزامات پایداری باشد. چنین چارچوبی، ضمن کاهش تعارضات اجتماعی، امکان بازتنظیم قانونی برداشت‌ها در شرایط کم‌آبی را فراهم کرده و انگیزه لازم برای سازگاری بهره‌برداران با محدودیت‌ها را ایجاد می‌کند.

هم‌زمان، ایجاد سازوکارهای تخصصی، مستقل و حوضه‌محور برای حل اختلافات و داوری آبی، مکمل ضروری تنظیم‌گری بوده و از انتقال تعارضات به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی جلوگیری می‌کند. حوضه آبریز لزوماً بهترین مقیاس اصلی تصمیم‌گیری تلقی نمی‌شود، بلکه به تناسب مسأله‌ها مرز تحلیل و تصمیم‌گیری نیز تغییر می‌کند.

هرگونه تخصیص آب، بارگذاری جمعیتی و اقتصادی و همچنین اعمال سیاست‌های حمایتی تنها در صورتی مجاز است که با ظرفیت اکولوژیکی و تاب‌آوری همان حوضه آبریز انطباق داشته باشد. تحقق این رویکرد مستلزم رفع تعارض منافع نهادی از طریق تفکیک شفاف نقش‌های سیاست‌گذار، تنظیم‌گر و مجری و تعریف سازوکارهای روشن پاسخ‌گویی برای هر یک است. گذار به حکمرانی کارآمد آب بدون توجه به ملاحظات عدالت اجتماعی پایدار نخواهد بود.

محدودسازی برداشت و توقف بارگذاری‌های ناپایدار باید هم‌زمان با طراحی و اجرای سازوکارهای سازگاری عادلانه، شامل حمایت‌های معیشتی، جبران خسارت و بازآفرینی اقتصادی برای گروه‌هایی که بیشترین بار اصلاحات را متحمل می‌شوند، به‌ویژه کشاورزان خرد و جوامع محلی، همراه باشد. مشارکت فعال مردم و جوامع محلی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، نظارت و سازگاری با محدودیت‌ها، یکی از ارکان اساسی این حکمرانی به شمار می‌رود. تشکلهای آب‌بران و جامعه محلی با ارائه دانش بومی، مطالبه‌گری شفاف و پذیرش مسیرهای سازگاری، به تقویت مشروعیت، قابلیت اجرا و پذیرش عمومی تصمیم‌های تنظیم‌گر کمک می‌کنند و نقش مهمی در کاهش تعارضات اجتماعی دارند.

حقابه‌های زیست محیطی باید به عنوان یک حق عمومی مستقل و غیرقابل مذاکره به رسمیت شناخته شوند تا کارکردهای اکولوژیک و تاب‌آوری بلند مدت حوضه‌های آبریز حفظ شود. همچنین ابزارهای اقتصادی و سیاست‌های حمایتی، از جمله یارانه‌ها، تسهیلات مالی، الگوی کشت و صدور مجوز استقرار صنایع، باید تابع توان اکولوژیکی منابع آب منطقه باشند و هرگونه حمایت اقتصادی بدون انطباق با وضعیت منابع آب حوضه، فاقد توجیه سیاستی تلقی شود. حکمرانی کارآمد آب باید مبتنی بر مدیریت ریسک و عدم قطعیت طراحی شود؛ به‌گونه‌ای که تصمیم‌ها نه صرفاً بر اساس میانگین‌های تاریخی، بلکه با درنظر گرفتن گزینه‌های اقلیمی بد بینانه و سازوکارهای بازنگری پویا اتخاذ گردند. شفافیت، دسترسی عمومی به داده‌های قابل اتکا و پاسخ‌گویی نهادی از ارکان اساسی این نظام هستند و بدون انتشار منظم اطلاعات مربوط به وضعیت منابع آب و امکان پرسش‌گری اجتماعی، اعمال مؤثر قواعد پایداری امکان‌پذیر نخواهد بود.

در نهایت، بحران آب صرفاً یک مسئله فنی یا بخشی نیست، بلکه به طور مستقیم با امنیت ملی، ثبات اجتماعی و آینده توسعه کشور پیوند خورده است. عبور پایدار از این بحران بدون اصلاح بنیادین قواعد تصمیم‌گیری، بازطراحی معماری نهادی حکمرانی آب، تقویت ظرفیت‌های نهادی و انسانی و مشارکت گسترده مردم ممکن نخواهد بود. اتکا صرف به فناوری‌ها و پروژه‌های سازه‌ای، بدون این اصلاحات ساختاری، تنها بحران را به تعویق می‌اندازد، نه آنکه آن را حل کند.